

عوامل موثر بر سن ازدواج (2)

در قسمت نخست به دو بخش عوامل جسمی - روانی و اجتماعی - فرهنگی پرداخته شد.



قسمت دوم

فاطمه برهانی

اشاره

در قسمت نخست به دو بخش عوامل جسمی - روانی و اجتماعی - فرهنگی پرداخته شد. در این قسمت علاوه بر دو بخش باقی مانده، منابع این پژوهش نیز ذکر خواهد شد.

ج: عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر سن ازدواج

تأثیر درآمد خانواده ها

همواره مسائل مادی و اقتصادی در تعیین سن ازدواج موثر بوده اند. در مورد دختران، میزان درآمد پدر در سن ازدواج تأثیر دارد و با افزایش درآمد، سن ازدواج افراد نیز بالا می رود اما این نسبت ضعیف است. (1)

دلایل این تأثیر را می توان اینطور بیان کرد که در میان افرادی که درآمد پدرشان بالا می باشد و دارای زندگی مرفهی هستند، اولاً مسأله ای به نام ازدواج به خاطر کمک به توزیع بهتر درآمد سرانه خانوار وجود ندارد، ثانیاً استفاده هرچه بیشتر از امکانات تفریحی و سرگرمی بیشتر همان طور که قبلاً ذکر شد باعث بالا رفتن سن ازدواج می گردد. ثالثاً داشتن وضع مادی خوب، توقع دختران را نیز بالا می برد و نسبت به همسر آینده خود حساسیت بیشتر به خرج می دهند و چنانچه قبلاً ذکر شد توقعات بالا موجب افزایش سن ازدواج می گردد. دیگر اینکه امکان تحصیلات عالی برای این گونه افراد بیشتر فراهم است و تحصیل نیز همان طوری که قبلاً ذکر شد با سن ازدواج رابطه مستقیم دارد. بنابراین تمامی این عوامل به طور غیر مستقیم بر سن ازدواج اثر می گذارند.

بررسیها نشان می دهند که مشکل اساسی در امر ازدواج برای اغلب طالبان آن بخصوص مردان به علت نوع خاص وظایف آنان که تأمین مخارج زندگی است، مسأله فقر و امکانات مادی است. غم تأمین معاش و هزینه زندگی از مهم ترین نگرانی های جوانان در امر ازدواج می باشد. جوانان اظهار می دارند که ازدواج امری فطری است که اگر پیش نیازهای آن فراهم باشد مشکلی به نام ازدواج نخواهیم داشت. امید به آینده از پیش نیازهای ازدواج می باشد و اگر امید به آینده با عواملی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی تضعیف شود ازدواج هم مشکل می شود (2). باتوجه به شرایط موجود اقتصادی که هزینه زندگی به شدت افزایش یافته، جوانانی که از درآمد کافی برای ادامه حداقل زندگی برخوردار نیستند کمتر به خود جرات می دهند تن به ازدواج بدهند. همانطوری که قبلاً هم ذکر شد بسیاری از جوانان به دلیل وجود چشم و هم چشمیهای نادرست و آداب و سنی که هزینه های سنگین را موجب می گردد، حتی مقدمات ازدواج را هم نمی توانند فراهم کنند. در نتیجه از فکر ازدواج نیز هراسانند و همین امر بر سن ازدواج آنها اثر می گذارد.

اشتغال

بین سن ازدواج و شغل، هم در مورد زنان و هم در مورد مردان همبستگی مثبتی وجود دارد (3). یعنی با بالا رفتن تخصص و امکانات شغلی سن ازدواج نیز بالا می رود. وارد شدن زنان به بازار کار باعث دگرگونیهای مختلف گردید که می توان تغییر بعضی ملاکهای تعیین کننده سن ازدواج و افزایش سن زنان در هنگام ازدواج را از جمله آنها دانست (4). استقلال مادی و معنوی آنها، یکی از شاخصهای تعیین سن ازدواج شده است.

بر مبنای داده های مربوط به سرشماری سال 65 کشور، در جمعیت مردان شاغل، عمومیت ازدواج بیشتر از جمعیت زنان شاغل بوده است و به همین صورت زنان شاغل هرگز ازدواج نکرده (8/31 درصد) نسبت قابل ملاحظه ای را در مقایسه با مردان ازدواج نکرده (4/20 درصد) به خود اختصاص داده اند (5). ملاحظه می شود که در بین زنان شاغل سن ازدواج نیز بالاتر است. زیرا از امکانات مادی و تخصصی بیشتری برخوردارند و برای کسب تخصص و بدست آوردن امکانات بهتر حرفه ای و همسر مناسب تر، بیشتر از زنان غیر شاغل درنگ می کنند. دلیل دیگری که می توان ذکر کرد و مربوط به مردان می شود این است که اغلب ترجیح می دهند با زنان کم سن تر از خود ازدواج کنند و از ازدواج با زنان هم سن و سال خود پرهیز می کنند.

بنا به دلایل متعددی که مربوط به وضعیت کشور می باشد مانند: هزینه های زیاد، ایجاد اشتغال در بخشهای صنعت و حتی کشاورزی، اختصاص یافتن بیش از سی درصد نیروی کار به بخش خدمات که محتاج به اندوخته اقتصادی است، عدم تناسب بین نیازهای تخصصی جامعه با هجوم گسترده نوجوانان به آموزشهای مقدماتی این تخصصها، عدم تناسب بین آموزش دبیرستانی و

آموزش دانشگاهی به لحاظ کمی، طولانی شدن دوران آموزش حرفه ای و... امروزه جوانان دیرتر به بلوغ اقتصادی می‌رسند(6). بلوغ اقتصادی بدون داشتن شغل مناسب امکان پذیر نیست و در جامعه کنونی ما به دلیل وجود تعارضهای ساختاری در سیستم اجتماع- فرهنگی و به بیان دیگر تعارض در ارزشها از یک سو و تعارض در اهداف و وسایل از سوی دیگر، شرایط به گونه ای است که جوانان همه شغلها را نمی‌پذیرند و یا نمی‌توانند بپذیرند و فقط تعداد محدودی شغل است که همه طالب آن هستند و به علت نوع خاص وظایف و نقشهای مردان در زندگی خانوادگی که وظیفه تأمین مخارج و هزینه زندگی بر عهده مردان است نیافتن و یا نداشتن شغل مناسب برای پسران موجب تأخیر در بلوغ اقتصادی، در نتیجه تأخیر در سن ازدواج آنها و به تبع آن تأخیر در سن ازدواج دختران می‌گردد.

نظام وظیفه

عامل دیگری که در رابطه با سن ازدواج می‌توان نام برد، خدمت نظام وظیفه برای پسران است که جهت رسیدن به بلوغ اجتماعی و حتی اقتصادی ملزم به گذراندن این دوره هستند، زیرا اولاً جوانانی که تحصیلات دانشگاهی دارند قبل از گذراندن این دوره نمی‌توانند مدرک خود را دریافت کنند و دوم اینکه پسران برای یافتن هر شغلی و یا هرگونه کسب و کار باید خدمت سربازی را انجام داده باشند و برگه پایان خدمت یا معافیت ارائه دهند، در غیر این صورت نمی‌توانند شغل مناسبی دست و پا کنند و چنانچه قبلاً بحث شد نداشتن شغل مناسب یکی از موانع عمده اقتصادی در راه ازدواج محسوب می‌شود. معمولاً خانواده دختران ترجیح می‌دهند که خواستگار دخترشان قبل از ازدواج این دوره را گذرانده باشد تا دخترشان در طی این مدت بلا تکلیف و سرگردان نماند. با توجه به این عوامل و طولانی بودن مدت انجام خدمت نظام وظیفه ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد.

مسکن

از مسائل مهم مادی که در سن ازدواج اثر می‌گذارد مسأله مسکن است. کمبود مسکن و گرانی اجاره بها مشکل اساسی اکثر افراد جامعه است. خصوصاً کسانی که در ابتدای راه تشکیل زندگی مشترک هستند. زیرا خانواده جدید، نومکان است و جدا از بطن خانواده بزرگ سنتی به سر می‌برد. در گذشته دختر و پسر که ازدواج می‌کردند به خانه داماد منتقل شدند و از حمایت خانواده پدر سالار برخوردار بودند ولی امروزه وضع اقتصادی و تضاد بین عقاید نسلهای ایجاب می‌کند که زوج تازه، زندگی جداگانه ای ترتیب دهد. مسأله مسکن که در گذشته مشکلی به شمار نمی‌رفت امروزه سدی فراراه زندگی زناشویی گذاشته است و در شهرهای بزرگ صنعتی به قدری حاد شده است که بعضی اوقات پسر و دختر جوان سالها به حالت نامزدی باقی می‌مانند زیرا منزل خالی برای شروع زندگی دوفردی نمی‌یابند(7) و یا اینکه باتوجه به کمبود و گرانی مسکن تا مدتها به فکر ازدواج نمی‌افتند.

توقعات

توسعه اقتصادی جامعه عامل دیگری است که باعث شده توقعات جوانان سیر صعودی ببیماید و بر سن ازدواج آنان اثر بگذارد(8). دامنه احتیاجات مردم با ظهور و گسترش جامعه مصرفی زیاد شده است و احتیاجات کاذب توقعات فراوان به وجود آورده است. هرچه میزان توقعات بالاتر می‌رود، ازدواج دیرتر صورت می‌پذیرد. توقعات بالا و یا احیاناً توقعهای بیجا و نادرست از قبیل اینکه همسر آینده باید دارای خانه شخصی و اتومبیل و وسایل رفاهی و غیره باشد یا صاحب فلان پست و عنوان و تحصیلات عالی و یا فلان قیافه باشد، موجب کاهش ازدواج بموقع جوانان می‌گردد. همه این توقعات که از طرف جوانان یا خانواده ها عنوان می‌گردند در صورتی که در سطح معمول و منطبق با واقعیتها نباشند می‌توانند موجبات تأخیر در سن ازدواج جوانان را فراهم آورند. در مورد دختران، رد کردن خواستگاران به همین دلایل و انتظارات بیش از حد و آرمان گرایی غیر معقول موجب می‌شود که فرصتهای گرانبهایی را از دست بدهند. باتوجه به اینکه هر قدر بر سنین عمر افزوده می‌شود به همان نسبت و شاید بیش از آن، از تعداد خواستگاران کاسته می‌شود و در نتیجه سن ازدواج بالاتر می‌رود. بنابراین افزایش مصرف زدگی و توجه به تجملات و توقعات بالا مانع بزرگی در راه ازدواج جوانان شده است خصوصاً آنجا که پای چشم و هم چشمی هم به میان می‌آید و کار را دشوارتر می‌کند.

د: عوامل اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی موثر در سن ازدواج

استقلال روانی اجتماعی و اقتصادی جوانان

در گذشته چون خانواده گسترده بود می‌توانست فرزندان را حتی پس از ازدواج نیز در آغوش خود بپذیرد و آنها را در کنار پدر و مادر جای دهد و همه آنها را در زیر چتر حمایت خود گیرد. ولی اکنون، تغییر و تحولات حاصله در شهرها، وضع اقتصادی و تضاد بین عقاید نسلهای جمع خانوادگی را پراکنده کرده و با کاهش ابعاد خانواده به علل مختلف اقتصادی و فرهنگی، خانواده فرزندان ازدواج کرده خود را تحت حمایت خویش نمی‌گیرد و وظیفه تأمین معاش را به عهده خود آنان می‌گذارد. ضرورت کار در محلی دور از خانه پدری، میل به استقلال و آزادی، اختلاف سلیقه و نگرش با پدر و مادر، تفاوت نحوه زندگی، تعارضی که در بین نسلهای به وجود آمده و تفاهم آنها را در معرض تهدید جدی قرار داده و مسائلی از این دست، زندگی زن و شوهر را در درون خانواده گسترده پدر و مادری دشوار کرده است. خانواده تازه تشکیل شده نمی‌خواهد شیوه زندگی خود را تابع طرز زندگی پدر و مادر - که با آن به کلی متفاوت است - نماید. در زندگی عادی، در تفریحات، در معاشرت حتی در نحوه لباس پوشیدن و آرایش و نوع غذا، بین دو نسل اختلاف سلیقه، فاحش است. در حالی که در گذشته در این موارد تفاوت فاحشی وجود نداشت(9). این شرایط ویژه موجب می‌شود که زوجین هر روز در برابر مسائل زندگی خود ناچار به تصمیم گیری باشند و متکی به خود و در چنین شرایطی افزایش مسوولیت فردی، غم تأمین معاش و

نگرانی جوان از چگونگی اداره خانواده از عواملی به شمار می‌رود که عمومیت ازدواج را کاهش داده و لزوماً بر سن ازدواج اثر می‌گذارد.

عدم تضمین برای زندگی آینده

مسئله دیگر در مورد ازدواج که منجر به تأخیر سن ازدواج می‌گردد، مسأله عدم تضمین کافی برای زندگی آینده است چه از نظر روحی و روانی و چه از نظر اجتماعی و اقتصادی. همین امر منجر به بروز عوامل دیگری می‌شود که به نوبه خود در سن ازدواج اثر می‌گذارد. این مسائل بیشتر از جانب دختران و خانواده‌های آنان عنوان می‌گردد. بدین ترتیب که دختران یکی از دلایل سختگیری خود را عدم امنیت اجتماعی آینده عنوان می‌کنند و اظهار می‌دارند وقتی در جامعه‌ای فساد اخلاق بین جوانان رایج باشد و افراد اعتماد و اطمینان به شریک آینده زندگی را از دست بدهند پیداست که کمتر به دنبال ازدواج خواهند رفت. اگر بنا باشد جوان مجرد، زندگی را با فردی شروع کند که میل به فساد دارد، دیگر ازدواج برای او آرامش بخش نیست (10).

همین طور شیوع بی بندوباری نزد غرب زدگان و بی‌اعتنایی آنها نسبت به تعهدات زندگی زناشویی، سبب شد که بعضی خانواده‌های ایرانی، به انگیزه تثبیت آتیه دخترشان، مهریه‌های سنگین پیشنهاد کنند (11). این اطمینان برای یک دختر وجود ندارد که پس از ازدواج و سپری شدن دوران طراوت و شادابی جوانی، همسرش زن دیگری اختیار نکند و او در جامعه با فرزندان سرگردان نماند (12). بنا به همین دلایل و همین طور به دلیل اینکه در گذشته زن استقلال اجتماعی و اقتصادی نداشته و در نتیجه از طلاق بیمناک بوده، کم‌بعضی از اقشار اجتماعی برای اینکه حادثه طلاق دخترشان به حیثیت اجتماعی آنها لطمه نزند، مهریه‌های سنگین تقاضا کردند که هم مانعی در راه اقدام مرد به طلاق باشد و هم اینکه پشتوانه‌ای برای زندگی مستقل اقتصادی زن در صورت طلاق باشد (13). این اندیشه به مرور در جامعه جای خود را باز کرد. افزایش مهریه به تبع خود سبب پیدایش عواملی شد که به نوبه خود بر مشکلات ازدواج افزوده و موجب گردید که بیشتر جوانان که تازه به راه زندگی فعال افتاده‌اند به فکر تشکیل خانواده نیفتند و در نتیجه سن ازدواج آنان بالا برود.

بنابر نظر کلودلوی اشتروس (14) که معتقد است اساسی‌ترین قاعده حیات اجتماعی تبادل است (15) و برپایه مبادله‌ای بودن روابط و همین طور بر مبنای اینکه مقدار مهریه با موقعیت اجتماعی و اقتصادی زن مناسبت دارد، سنگین شدن مهریه، موجب سنگین شدن جهیزیه نیز می‌گردد و چون مقدار جهیزیه تقریباً نسبت ثابتی با مقدار نقدینگی (شیربها) که مرد می‌پردازد دارد، در نتیجه موجب افزایش نقدینه (شیربها) نیز می‌گردد. افزایش مقدار مهریه و نقدینه که مرد می‌پردازد و سنگین شدن جهیزیه برای زن اقتضا دارد که کلیه مخارج عقد و عروسی متناسب با آنها بوده و هماهنگی در کلیه موارد وجود داشته باشد. لذا کلیه هدایا و لباس عروسی و خرید قبل از عروسی و محل برگزاری جشن و نوع پذیرایی و تعداد مدعوین نیز تحت تأثیر این هماهنگی قرار می‌گیرد و نسبت به افزایش مهریه و نقدینه و جهیزیه کلیه مخارج بالا می‌رود. جهیزیه سنگین اقتضا دارد که محل مسکونی زوجین نیز متناسب با جهیزیه باشد در نتیجه مخارج مسکن نیز بالا می‌رود و همین طور هزینه‌های ماهانه زوج جوان. بنابراین افزایش مهریه موجب می‌شود که مشکل اقتصادی بزرگی در سر راه ازدواج به وجود آید که به عنوان عامل اقتصادی مهمی بر سن ازدواج جوانان اثر می‌گذارد زیرا جوان با وجود هرگونه صلاحیت، برای تهیه این مخارج گزاف باید برای مدت نامعلومی از ازدواج سرباز زده و در انتظار فراهم شدن این امکانات باشد.

شهرنشینی

شهرنشینی و آداب و رسوم خاص جوامع صنعتی و شهری (شهرهای بزرگ) بر سن ازدواج اثر می‌گذارد. معمولاً سن ازدواج در بین جوانان شهر و روستا به دلیل ویژگی‌های خاص جوامع شهری و روستایی متفاوت بوده و در روستاها پایین‌تر است. در روستاها معمولاً جوانان به شکل سنتی و با ادامه کار پدر (کسب و کار و کشاورزی) خیلی زود شغلی دست و پا می‌کنند و فاصله زیادی بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی آنها به وجود نمی‌آید. ولی در شهرها در اثر تمدن صنعتی، بین بلوغ جنسی و رشد اقتصادی جوانان فاصله افتاده است (16). همین امر از جمله عواملی شده که موجب تأخیر سن ازدواج گردیده است.

همچنین ویژگی‌های خاص جوامع شهری مانند: دسترسی به تفریحات بسیار متنوع و سرگرمی‌های گوناگون، برخورداری از امکانات رفاهی، آموزشی و امکانات دیگری که بخصوص در شهرها در اختیار افراد قرار دارد و نیز نوع فرهنگ حاکم بر مناطق شهری که با فرهنگ حاکم بر مناطق روستایی متفاوت است، بر سن ازدواج اثرگذار هستند.

در همین رابطه مهاجرت بعضی روستاییان به شهرها، بخصوص در میان جوانان که تحت تأثیر عوامل مختلف، مخصوصاً عدم امکان اشتغال در روستاها، صورت می‌پذیرد بر سن ازدواج اثر می‌گذارد. به دلیل اینکه اولاً این گونه افراد در شهرها با تنگدستی در محله‌های فقیرنشین زیست می‌کنند و نمی‌توانند شغل مناسبی دست و پا کنند، یا به مشاغل کاذب روی می‌آورند و یا اینکه به کارهایی می‌پردازند که درآمد کافی جهت تأمین مخارج زندگی ندارد. علاوه بر آن مسأله مسکن هم بر مشکلاتشان می‌افزاید زیرا تا زمانی که در روستا باشند از لحاظ مسکن چندان تحت فشار قرار نمی‌گیرند ولی در شهرها اینطور نیست، بنابراین تحت تأثیر فشارهای شدید اقتصادی قرار می‌گیرند و دوم اینکه بر اثر شهرنشینی طرز تفکر و رفتار آنها نیز تغییر می‌کند و ارزشهایشان دچار دگرگونی و تعارض

می‌گردد. به این ترتیب، مساله مهاجرت برخی از جوانان روستایی به شهرها علاوه بر اینکه بر سن ازدواج خود آنها اثر می‌گذارد بلکه با افزایش شهرنشینی مشکلات بیشتری برای ساکنان شهرها نیز به بار می‌آید و به تبع آن بر مشکلات ازدواج جوانان افزوده شده و بر سن ازدواج آنها اثر می‌گذارد.

نتیجه

چنانچه برتراند راسل می‌نویسد: در دنیای امروز، ضرورتها و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، برخلاف تدبیر و میل ما ازدواج جوانان را به تأخیر افکنده است؛ به همین جهت جوانان امروزی مدتی طولانی را در فاصله میان بلوغ و ازدواج که بخشی بسیار حساس و دوران نمو جنسی و طغیان غریزه و صعوبت مقاومت در برابر هوا و هوس و ظاهر فریبنده زندگی است، ناگزیرند به هر صورت بگذرانند. ما نمی‌بایست این بخش حساس را از حساب عمر و یا نظام اجتماعی بشری ساقط کنیم و اگر ما بخواهیم حسابی برای این بخش طولانی و حساس عمر باز نکنیم و فکری در این باره ننماییم، نتیجه آن شیوع فساد و بی‌اعتنایی نسبت به بهداشت نسل، اخلاق و اصول در میان مردان و زنان اجتماع خواهد بود (17).

اکنون این فاصله در جامعه ما با توجه به عواملی که برشمردیم و اغلب در جهت افزایش سن ازدواج می‌باشد روز به روز بیشتر می‌شود بطوری که شاخص حداکثر سن ازدواج برای دختران در فاصله سالهای 65 تا 69 از 16 سالگی به 19 سالگی رسیده است (18) و ممکن است این روند به همین صورت ادامه پیدا کند. هرچند وجود بعضی عوامل اجتناب‌ناپذیر است ولی بیشتر آنها را می‌توان از بین برد و یا کاهش داد. نسبت به فاصله ای که ایجاد شده نباید بی تفاوت بود. جوانان در این فاصله چه باید بکنند؟ چه کسی به فکر آنها است؟ چه راهی در پیش روی دارند؟ ازدواج موقت که یک راه حل قابل توجه است در فرهنگ کشور ما به گونه ای درست توجیه نشد و تثبیت نیافته است. پس باید فاصله را کم کرد و مشکلات را از بین برد. طبق گفته ویل دورانت اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سالهای طبیعی انجام گیرد فحشا و امراض خطرناک و تنهایی بی ثمر و عزلت ناپسند و انحرافات که زندگی معاصر را لکه دار کرده است تا نصف تقلیل خواهد یافت (19).

مردان و زنانی که بنا به دلایلی نتوانند ازدواج کنند و یا فاصله بین بلوغ جنسی و اقتصادی - اجتماعی آنها بنا به دلائلی که برشمردیم زیاد شود به ناچار در مورد غریزه جنسی، یکی از دو راه را در پیش می‌گیرند: افراد عفیف (گروه اول) تمایل طبیعی خود را پس زده و غریزه را سرکوب می‌نمایند که احتمالاً نتیجه ای جز ابتلا به عوارض نامطلوب نخواهد داشت. به عنوان نمونه اگر بخواهیم از عوارض نامطلوب جسمی نام ببریم می‌توانیم از تحقیقات دکتر ژان پاول عضو انجمن تحقیقات سرطان مرکز پزشکی ملکه الیزابت بیرمنگام استفاده کنیم. طبق این تحقیقات نتیجه جالبی به دست آمده است و نشان می‌دهد زنان میانسال مجرد نسبت به زنان همسن خود که شوهر دارند در دهه 1960 - 1970 (1339 - 1349) بیشتر مبتلا به سرطان کولون شده اند (20). گروه دوم، راه انحراف و اعمال منافی عفت را دنبال می‌کنند. به طوری که آمار نشان می‌دهد در سال 63 در حدود 36 هزار مورد جرایم قتل و ضرب و جرح در شعب شهربانی به ثبت رسیده است که بسیاری از این موارد در اثر تخلفات جنسی حاد عارض شده است و در همان سال طبق آمار شهربانی جمهوری اسلامی ایران، بیش از 3060 مورد جرایم جنسی تنها در مراکز تابعه این ارگان انتظامی به ثبت رسیده است. از این تعداد 770 مورد مربوط به دختران و پسران زیر 18 سال و حدود 1800 مورد مربوط به دختران و پسران 19 تا 20 ساله است و باز برطبق همین آمار، طی شش ماه، 1800 پرونده مربوط به متهمین منافی عفت که محکومیت آنان مادون حد بوده است به دادسرای مبارزه با منکرات ارجاع شده است. بیشترین پرونده های منافی عفت مربوط به روابط نامشروع دختران و پسران جوان مجرد است (21). هیچ جای تردید نیست این آمار مربوط به مواردی است که به صورت علنی بوده و انحرافهای پنهانی کمتر از اینها نیست که آمارش بنا به دلایلی که بیشتر جنبه حفظ آبرو دارد در هیچ کجا ثبت نمی‌شود.

علاوه بر این مواردی که ذکر شد از نظر روانشناسان عدم پاسخگویی صحیح به احتیاجات دوران نوجوانی و جوانی، موجب نابسامانی روحی در سرنوشت آینده افراد خواهد شد. اگر ما نتوانیم به نیازهای طبیعی و فطری جوانان پاسخ صحیح دهیم، دیگران اقدام می‌کنند و به روشهای غلط خلا موجود را پر می‌کنند چون جوانان نیز طالب آن هستند که از طرق مختلف در جهت رفع نیازهای خود اقدام نمایند. به هر حال هیچ یک از نیازها بدون پاسخ نخواهد ماند اما هرچه حلقه فشار بر این احتیاجات تنگ تر شود پاسخها به همان مقدار از هنجارها فاصله می‌گیرند (22). علاوه بر این به اعتقاد آگاهان و صاحب نظران مسایل اجتماعی، گروه سنی نوجوان و جوان، آسیب پذیرترین گروه های سنی می‌باشند که بیشترین آمار مربوط به تخلفات و انحرافات را در اکثر کشورها، به خود اختصاص می‌دهند و بیشترین جرایم را جوانانی مرتکب می‌شوند که جذب جامعه نشده و یا نقش اجتماعی خاصی به عهده آن واگذار نشده باشد. در جامعه ای که مساله ازدواج در آن با مشکل روبه رو می‌شود، یعنی جوانان به دلایل مختلف که برشمردیم قادر به ازدواج نباشند و از آن روگردان شوند، این چنین جامعه ای زمینه های مستعد و مساعدی برای فساد خواهد داشت و همینطور زمینه مساعدی جهت پذیرش جنبه های پوچ و مبتذل فرهنگ غرب. هرگاه جوانان ما در زمینه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و دیگر موارد مورد کم توجهی قرار گیرند دامنه های گرایش آنان به سوی فرهنگ غرب گسترده تر می‌شود. وقتی نیازهای فطری جوان تأمین نگردد این خلا روزنه ورود فرهنگ و اندیشه غرب خواهد شد. جوانی که در معرض فشارهای طبیعی و نیازهای تأمین نشده قرار می‌گیرد زودتر طعمه هجوم فرهنگ غرب می‌شود. سرگردانی، بلاتکلیفی، شک ها، تردیدها، سوالهای پاسخ داده نشده، گرایش سرکوب شده همه دست به دست هم می‌دهند و منجر به بی‌سروسامانی فکری و درونی جوان می‌شوند. در این حالت جوان آماده است که

هرگونه سیستم فکری، حتی غیر واقعی و مبتذل ترین نوع آن را که پانکیسم، هیپیسم، نیهیلیسم باشد به راحتی قبول کند و از آن دفاع نماید چه برسد به مکتبهای دیگر که برخی، ظاهری موجه و علمی نیز به خود داده اند(23).

در اینجا دیگر صحبت از تهاجم فرهنگ غرب معنایی ندارد. وقتی ما نسبت به آینده فرزندان خود بی اعتنا هستیم و در واقع آنها را به حال خود رها کرده ایم و جز پرداختن به جنبه های ظاهری امر، کاری صورت نداده ایم چگونه می توانیم انتظار داشته باشیم که جوانان به سوی فرهنگ پرجاذبه و ظاهر فریب غرب جذب نگردند. جوان را باید از درون تجهیز کرد تا خودش، خودش را کنترل کند نه فقط از طریق کنترل وسایل اطراف و اعمال فشار، که در این صورت هر تغییری جنبه ظاهری دارد و اثر منفی آن بیشتر از جنبه های مثبت می باشد.

خوب می دانیم که هدف استکبار، بیشتر، جوانها و راه نفوذ آنها هم جوانان هستند. آیا ما راههای نفوذ را بسته ایم؟ آیا جوانان خود را مجهز کرده ایم؟ آیا به آنها هدف داده ایم؟ آیا نیازهای آنها را تأمین کرده ایم؟ جوانان ما حتی در راه رفع ساده ترین و طبیعی ترین نیاز خود بلامتکلیف هستند.

جوانان باید ارضا شوند و باید آنان را در مقابل مسائلی مانند شهوت، غرور و غیره باور کنیم. وقتی جوان احساس کرد در جامعه اش مورد اعتنا نیست خودبه خود منحرف می شود(24). دیگر نیازی به تهاجم نیست. هرچه ما به جوانان بیشتر بها دهیم یقیناً آنها را در مقابل بسیاری از تهاجمات فرهنگی مصون ساخته ایم. سخن را با گفتاری از آرنولد توین بی مورخ به اتمام می رسانیم: هر فرهنگی در مقابل هجوم زاده می شود، زندگی می کند و می میرد. تمدنهای ابتدایی در مقابل هجوم طبیعت قرار داشته اند و پاسخ بشر در مقابل آنها ایجاد تمدنهای اولیه بوده است. ولی هجومهای بعدی، انسانی بوده و بشر می بایست پاسخهای تازه تری بیابد و اگر فرهنگی، پاسخهای کهنه به هجوم جدید بدهد ارزشهایش به مخاطره می افتد. ما فقط به فرهنگ دفاع کردن می پردازیم و عموماً نفی و طرد می کنیم و الگوهایی که به جوانانمان معرفی می کنیم بیشتر جنبه غیر عملی و اسطوره ای دارند(25).

پی نوشتها:

- 1 - (بالی لاشک، ابوالقاسم)، عوامل اجتماعی، اقتصادی موثر در تعیین سن ازدواج زنان کارمند، رساله لیسانس، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون سال 36-37.
- 2 - (بهنام، جمشید)، بررسی امر ازدواج در مرحله انتقالی جامعه ایرانی، سمینار علوم اجتماعی، دانشگاه تهران موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده ادبیات 53-54.
- 3 - (پاک نژاد، سیدرضا)، ازدواج مکتب انسان سازی، جلد 1 و 2 و 3، انتشارات یاسر، 700ص.
- 4 - (پاک نژاد پناهی، فاطمه)، ازدواج و بررسی آن در جامعه اسلامی، دوره لیسانس، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، 53 - 54.
- 5 - (یوربوسفی، حمید)، سن ازدواج در ایران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون 55.
- 6 - (تقوی، سیدرضا)، اسلام و سرمایه جوانی، جوانان امروز، ش 1040، 31 فروردین 66.
- 7 - (جهانفر، مجید)، مشکلات و مسائل بهداشتی و اجتماعی جوانان، علم و زندگی 7 سال 7، ش 5، مرداد 65.
- 8 - (خاتمی، محمد)، اظهارات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ به طلاب درباره ((تهاجم فرهنگی)) عصر جدید، شماره 1، سال اول، نیمه اول، آذر 70.
- 9 - (خاوری، اعظم)، تحلیل الگوی سنی ازدواج براساس نتایج طرح نمونه گیری زاد و ولد جمعیت، فصلنامه علمی پژوهشی سازمان ثبت احوال کشور، ش دو، پاییز 71.
- 10 - (خورشیدوند، ابوالقاسم)، ازدواج جوانان، مسأله ای که حل آن یاری مسوولان را می طلبد، اطلاعات، 7 آذر 71.
- 11 - (خلیقی، حسین)، ازدواج و جوانان، رسالت، 8 مرداد 66.
- 12 - (خلیقی، حسین)، ازدواج و جوانان، رسالت، 22 مرداد 66.
- 13 - (خلیقی، حسین)، ازدواج و جوانان، رسالت، 29 مرداد 66.
- 14 - (رزازی، مجید)، جوان، نیاز به الگو دارد، اما کدام الگو و چگونه؟ گزارش به بهانه گردهمایی بررسی مسائل جوانان، کیهان، 27 آذر 69.
- 15 - (زمانی، مصطفی)، درد و درمان جوانان، اطلاعات، 8 دی 66.
- 16 - (ساروخانی، باقر)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، سروش، چاپ اول، 1370.
- 17 - (سهراب، عنایت الله)، ازدواج در آستانه علم، جلد 1 و 2، تأیید اصفهان، 1349.
- 18 - (صدیق اورعی، غلامرضا)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات خوشه، 70.
- 19 - (عبداللهی، رضا)، نظام اسلامی و مسائل و مشکلات نسل نو، اطلاعات، 10 آذر 66.
- 20 - (علامه طباطبائی)، ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلام، گردآورنده، حسن موجودی، انتشارات موجودی، 1364.
- 21 - (علیایی زند، شهین)، آیا برای ازدواج، سن مناسبی وجود دارد؟ زن روز، ش 1183، 19 شهریور 67.
- 22 - (علیایی زند، شهین)، وقتی که زندگی زناشویی را دیر آغاز می کنیم، زن روز، ش 1181، 5 شهریور 67.

- 23 - (محمدی، مجید)، مشکلات نسل جوان را بشناسید، سروش سال 8، ش 1347، 11 مرداد 65.
- 24 - (میرسلیمی، محمود - رزازی، مجید)، به بهانه گردهمایی بررسی مسائل جوانان - (1) جوانان با دغدغه ها و دلمشغولی ها ... کیهان، 19 خرداد 69.
- 25 - (میرسلیمی، محمود - رزازی، مجید)، به بهانه گردهمایی بررسی مسائل جوانان - (2) جوانان، رویاروی دو مسأله عمده؛ ازدواج، اقتصاد. کیهان، 20 خرداد 69.
- 26 - (میرسلیمی، محمود - رزازی، مجید)، به بهانه گردهمایی بررسی مسائل جوانان - (3) اشتغال، گمشده جوانان، کیهان، 21 خرداد 69.

مطبوعات

- 1 - ازدواج حکم الهی است، مگر می شود از آن تخلف کرد؟ رسالت، 24 اردیبهشت 66.
- 2 - ازدواج موجب پیدایش ارزشها - تحلیل گزارش ازدواج در نگاه مردم و صاحب نظران، رسالت، 10 اردیبهشت 66.
- 3 - ازدواج موقت یکی از راههای مهار بی بندوباری و فساد، کیهان، 25 شهریور 70.
- 4 - اگر ما به نیازهای جوانانمان نرسیم دیگران پا به میدان می گذارند، کیهان، 26 خرداد 69.
- 5 - آمار ازدواج و طلاق در ایران و جهان، ابرار، اول خرداد 70.
- 6 - بی ارزشی مجرد را چگونه به ارزش ازدواج مبدل کنیم، تحلیل گزارشی از چگونگی ازدواج سالم در نگاه مردم و صاحب نظران، رسالت، 17 اردیبهشت 66.
- 7 - پیام رئیس جمهوری به مجمع بررسی مسایل جوانان و نوجوانان در انقلاب اسلامی، جوانان امروز، ش 1048، 25 خرداد 66.
- 8 - تصویری از واقعیت های ازدواج و طلاق در ایران، بررسی ازدواج و طلاق در 15 سال اخیر (62 - 48) گروه گزارش آدینه، ش 11، 15 اردیبهشت 66.
- 9 - تهاجم فرهنگی و جوانان، دیدگاهها، ابرار، 25 شهریور 70.
- 10 - سمینار جوان و ازدواج، گزارش جلسه افتتاحیه سمینار عصر جدید، ش 1، سال اول، آذر 70.
- 11 - لزوم اذن پدر برای ازدواج دختر، نگرانی خانواده ها را از قانون ازدواج موقت برطرف می کند. (ازدواج موقت و دیدگاهها)، قسمت سوم، کیهان، 28 شهریور 70.
- 12 - لزوم شناسایی مشکلات و پاسخگویی به نیازهای جوانان، کیهان، 21 شهریور 70.
- 13 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج - (1) گزارش، اطلاعات، 24 آذر 66.
- 14 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج - (2) گزارش، اطلاعات، 25 آذر 66.
- 15 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج - (3) گزارش، اطلاعات، 26 آذر 66.

- 1 - (بالی لاشک، ابوالقاسم)، همان منبع.
- 2 - سمینار جوان و ازدواج، همان منبع.
- 3 - (پوریوسفی، حمید)، همان منبع.
- 4 - (بالی لاشک، ابوالقاسم)، همان منبع.
- 5 - آمار ازدواج و طلاق در ایران و جهان، همان منبع.
- 6 - (صدیق اورعی، غلامرضا)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات خوشه، 70.
- 7 - (ساروخانی، باقر)، همان منبع.
- 8 - (پوریوسفی، حمید)، همان منبع.
- 9 - (بهنام، جمشید)، همان منبع.
- 10 - ازدواج حکم الهی است مگر می شود از آن تخلف کرد؟ رسالت، 24 اردیبهشت 66، ص 10.
- 11 - مروری بر مسایل و مشکلات جوانان در راه ازدواج، (2) گزارش، اطلاعات، 24 آذر 66، ص 5.
- 12 - موانع و مشکلات ازدواج جوانان را مرتفع کنیم، رسالت، 24 اردیبهشت 66، ص 10.
- 13 - (صدیق اورعی، غلامرضا)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات خوشه، 1370، ص 65.
- 14 - C. Leui - Strauss
- 15 - (ساروخانی، باقر)، همان منبع.
- 16 - (خلیقی، حسین)، همان منبع.
- 17 - (پاک نژاد، پناهی، فاطمه)، ازدواج و بررسی آن در جامعه اسلامی، دوره لیسانس، سال تحصیلی 54 - 53 دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- 18 - (خاوری، اعظم)، همان منبع.
- 19 - (پاک نژاد، سیدرضا)، همان منبع، به نقل از اطلاعات بانوان 438، ص 6.

- 20 - همان منبع، به نقل از اخبار پزشکی، شماره 499، سال دهم، ص آخر.
- 21 - ازدواج حکم الهی است، مگر می شود از آن تخلف کرد؟ همان منبع.
- 22 - اگر ما به نیازهای جوانانمان نرسیم دیگران پا به میدان می گذارند، کیهان، 26 خرداد 69، ص 5.
- 23 - (محمدی، مجید)، مشکلات نسل جوان را بشناسید، سروش، سال 8، ش 1347، 11 مرداد 65، ص 26 - 18.
- 24 - (خاتمی، محمد)، اظهارات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ طلاب درباره ((تهاجم فرهنگی))، عصر جدید، شماره 1، سال اول، نیمه اول، آذر 70.
- 25 - (رازی، مجید)، جوان نیاز به الگو دارد، اما کدام الگو و چگونه؟ گزارش به بهانه گردهمایی بررسی مسائل جوانان، کیهان، 27 خرداد 69، ص 5.

ماهنامه پیام زن - شماره 40 - تیر 74